

رویکرد پدیدارشناسی اگزستانسیالیستی در درام سارتر*

صمدرستمی**، فرهاد ناظر زاده کرمانی

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳ / ۴ / ۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲ / ۸ / ۱۷

**نویسنده مسؤل

* (برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد - استاد راهنما، دکتر فرهاد ناظر زاده کرمانی - آبان ۹۲)

رویکرد پدیدارشناسی اگزستانسیالیستی در درام سارتر

صمدرستی

کارشناس ارشد ادبیات نمایشی - دانشکده هنر و معماری تهران

فرهاد ناظر زاده کرمانی

استاد، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

اساس شکل‌گیری پژوهش حاضر مشقی است فلسفی در مسیر شناخت و در هدف بنیادی خود بر آن است تا روند تأثیرپذیری ادبیات و درام سارتر را از فلسفه بکاود. و از آن‌جایی که سارتر با نگرشی ژرف در حوزه‌ی فلسفه به‌ویژه نحله‌های فکری پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم صاحب سبک و شیوه‌ای خاص و منحصربه‌فرد محسوب می‌شده و به‌عنوان یک درام‌نویس نامی و معاصر در حوزه‌ی ادبیات که در زمانه‌ی خود و حتی بعد از خود تأثیرگذار بوده است. بنابراین این مقاله فرض بر این دارد تا با خوانشی دیگرگونه و با افق‌هایی نوین؛ روند و ترفندهای تأثیرپذیری سارتر از این مقولات فلسفی را موردبررسی قرار دهد و شاید به پاسخی مقبول رسیده و گامی در این‌راستا بردارد. برای پرداختن به این امر با استفاده از روش کتابخانه‌ای، جنبش‌های فلسفی پدیدارشناسی و اگزیستانسیالیسم از بدو فلسفه تا هوسرل و هایدگر و تأثیر آن بر سارتر موردبررسی قرار گرفته و نتایج حاصل از آن عبارتند از اینکه جنبش‌های فلسفی به‌سان زنجیره‌ای با یکدیگر مرتبط بوده‌اند و در این‌راستا از دیرباز مسیری متعالی را پیموده و با هوسرل و هایدگر به کمال رسیده‌اند و سارتر با شناخت پدیدارشناسی هوسرل و اگزیستانسیالیسم هایدگر و ترکیب این دو به‌عنوان مقولات مهم فلسفی، متحول و متبلور شده و این مقولات را وارد ادبیات و درام خود کرده و حتی به توسعه آن‌ها نیز پرداخته است. پژوهش حاضر با کندوکاوی در اثر برجسته و دراماتیک **شیطان و خدا**، از سارتر به رویکرد مقولات یاد شده پرداخته است.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، هوسرل، اگزیستانسیالیسم، هایدگر، سارتر